# ۹۵۰۳۰۳-۷۶۲

**دو شنبه – جلسۀ ۱۳۶**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

 راجع به محصور در عمره و حج ما روایاتی را مطرح کردیم که برخی مثل مرحوم ‌آقای خوئی و مرحوم استاد با انقلاب نسبت بین این روایات بین عمره مفرده و عمره تمتع و حج تفصیل دادند. گفتند در عمره مفرده محصور بر او حرام هست نساء و لو بعد از تحلل ولی در عمره تمتع و حج این طور نیست. مرحوم استاد هم در عمره مفرده گفتند مطلقا نساء‌حرام نمی شود چون صحیحه معاویة بن عمار در مورد امام حسین علیه السلام فرمود نساء حرام بود برای ایشان که عمره مفرده ای بود که ذبح الهدی فی مکانه. و لذا ما با دو شرط می گوییم که نساء‌حرام است: یکی عمره مفرده باشد دوم این که قربانی را هم در همان مکان حصر بکشد

یک موثقه زراره ای هست که مشکل را حل می کند که نیاز به این بحث انقلاب نسبت دیگر نیست. عن ابی جعفر علیه السلام قال المصدود یذبح حیث صد و یرجع صاحبه فیأتی النساء و المحصور یبعث بهدیه فیعدهم یوما فاذا بلغ الهدی احل فی مکانه قلت: أرایت ان ردوا علیه دراهمه و لم یذبحوا عنه و قد احل فاتی النساء قال فلیعد و لیس علیه شیء و لیمسک الان عن النساء اذا بعث. امام فرمود: مصدود در همان مکان صد ذبح می کند ولی محصور قربانی را می فرستد به سمت مکه. مصدود نساء‌بر او حلال است. اما محصور قربانی اش را می فرستد فیعدهم یوما فاذا بلغ الهدی احل هذا فی مکانه قلت أرایت ان ردوا علیه دراهمه، اگر دوستانش برگردند پولش را به او پس بدهند این آقای محصور را که بعث بهدیه أی بعث بثمن الهدی و قد احل، این بنده خدا طبق قراری که گذاشته بود با دوستانش در روز فلان شما از طرف من گوسفندی بخرید و ذبح کنید،‌طبق آن قرار متحلل شد و قد احل فأتی النساء، این مهم است، این محصور محل شد طبق مواعده با اصحابش و آمد نزدیکی کرد با همسرش قال فلیعد و لیس علیه شیء و لیمسک الان عن النساء اذا بعث. حالا که یک گوسفندی یا پول گوسفندی را می فرستد با گروه جدید به مکه، از نساء اجتناب بکند. این ظاهر در این است که این محصور نساء بر او حلال شده طبق همان مواعده. و الا امام علیه السلام نمی فرمود و لیس علیه شیء؛ نمی فرمود و لیمسک عن النساء اذا بعث. امام مناسب بود بفرماید و قد اخطا فی اتیانه النساء.

[سؤال: ... جواب:] راجع به محصور امام فرمود یبعث بهدیه زراره گفت آقا! توافق کرد این شخص محصور با دوستانش در روز معین از طرف او ذبح کنند قربانی را، و طبق این توافق احل فاتی النساء، دوستانش برگشتند پول او را به او پس دادند گفتند ما از طرف تو ذبح نکردیم، این چه بکند؟ قال فلیعد و لیس علیه شیء و لیمسک الان عن النساء اذا بعث. چیزی بر او نیست؛ اعاده کند ارسال هدی را. و وقتی اعاده می کند ارسال هدی را از نساء هم اجتناب بکند. اگر بنا بود محصور در فرضی که بعث الهدی، حرام هست بر او نساء که مشهور می گویند چرا امام علیه السلام در رابطه با این تعبیر سائل که و قد احل فاتی النساء اعتراضی نفرمود؟ نفرمود و قد اخطأ فی اتیانه النساء، لایعودن.

[سؤال: ... جواب:] هر وقت. فرض این است که بعث الهدی طبق نظر مشهور و قربانی کردن از طرف این محصور در مکه در عمره یا در منی در حج باعث می شود این محصور از همه محرمات احرام آزاد بشود بجز زن، حرمت زن بر او باقی می ماند، مشهور این را می گویند، در حالی که در این روایت می گوید فاتی النساء امام هم می فرمایند لیس علیه شیء و لیمسک الان عن النساء اذا بعث. این روایت قرینه می شود بر این که محصوری که قربانی می بفرستد یا پول قربانی بفرستد مکه، در روز معین از طرف او این قربانی را ذبح کنند، نساء هم حلال می شود بر او.

و من احتمال قوی می دهم که استدلال آقای زنجانی به این موثقه زراره باشد؛ نه از راه انقلاب نسبت. بلکه این موثقه زراره در خصوص محصوری که بعث بهدیه فرمود و قد احل و اتی النساء لیس علیه شیء و لیمسک الان اذا بعث. اطلاق صحیحه معاویة بن عمار که می گوید المحصور لاتحل له النساء قید می خورد؛ الا هذا المحصور الذی بعث هدیه الی مکة.

مرحوم آقای خوئی در یک بحثی در آینده این روایت را مطرح کرده فرموده که آقا! این روایت مورد قبول ما است، این روایت راجع به حج است و ما در حج پذیرفتیم که نساء حرام نیست بر محصور. بعد از تحلل نساء هم حلال می شود. ما در عمره مفرده گفتیم نساء حرام هست بر محصور. از کجا شمای آقای خوئی می فرمایید این موثقه زراره در محصور حج است؟ ایشان می فرماید: ببینید ما در محصور در عمره مفرده از روایات استفاده کردیم تخییر را؛ مخیر است محصور در عمره مفرده بین فرستادن قربانی یا پول آن به مکه و یا ذبح قربانی در مکان حصر بخاطر قضیه امام حسین که امام صادق علیه السلام فرمود امام حسین محصور شد در عمره مفرده و قربانی را در همان مکان حصر قربانی کردند و نساء‌بر امام حسین حرام بود تا این که عمره مفرده دیگری بجا آورد. پس تخییر بین ارسال هدی و ذبح هدی در مکان حصر مربوط به عمره مفرده است. در حالی که در این روایت فرمود و المحصور یبعث بهدیه. این ظهور در وجوب تعیینی دارد. پس این موردش می شود مورد حج. و ما در حج قبول داریم که اتیان نساء بعد از تحلل جایز است.

و لیمسک الان عن النساء آقای خوئی می فرمایند یعنی و لیمسک عن محرمات الاحرام. اذا بعث هم یعنی اذ انکشف له عدم ذبحهم. جالب است. و لیمسک الان عن النساء ایشان می گوید نساء رمز است برای محرمات احرام. یعنی و لیمسک عن المحرمات الاحرام. اذا بعث هم ایشان حمل می کند بر این که این طور در ذهنم هست که اذا انکشف برای او که اصحابش برای او قربانی نکردند.

انصافا این فرمایش خلاف ظاهر است. چرا؟ برای این که در محصور در حج دو روایت صحیحه داریم می گوید موعد برای قربانی کشتن از طرف این محصور روز عید قربان است در منی در حالی که در این موثقه زراره داشت: یعدهم یوما. یعدهم یوما. پس این را نمی توانیم حمل کنیم بر حج. این موردش عمره مفرده است. این دو تا روایتی که عرض کردم در مورد حج فرموده است که مواعده برای ذبح قربانی باید مربوط بشود به یوم النحر بمنی، یکی صحیحه معاویة بن عمار است: سألت اباعبدالله علیه السلام عن رجل احصر فبعث بالهدی فقال یواعد اصحابه میعادا. خوب دقت کنید! تقابل بین این صحیحه را با موثقه زراره ببینید چیست. در موثقه زراره دارد که و المحصور یبعث بهدیه فیعدهم یوما، فیعدهم یوما، اما در صحیحه معاویة‌بن عمار می گوید ان کان فی حج فمحل الهدی یوم النحر یواعد اصحابه میعادا. فان کان فی حج فمحل الهدی یوم النحر.

[سؤال: ... جواب:] فان کان فی حج.

پس حمل نکنید موثقه زراره را بر حج مثل آقای خوئی. ایشان موثقه زراره را حمل کرده بر حج. پس در حج میعاد یوم النحر است. و ان کان فی عمرة فلینتظر مقدار دخول اصحابه مکة و الساعة التی یعدهم فیها فاذا کان تلک الساعة قصر و احل. این صحیحه معاویة بن عمار.

موثقه زرعة عن سماعة و لو در کافی دارد زرعة قال سألته ولی این قطعا سقط دارد. زرعه بی واسطه نقل نمی کند از امام. و شیخ طوسی هم در مقنع دارد زرعة عن سماعة. چون راوی سماعة زرعة است، این زرعة از سماعة نقل می کند، این زرعة عن سماعة است. خود نقل شیخ صدوق در مقنع هم حجت است. این طور دارد...

[سؤال: ... جواب:] صدوق می گوید زرعة عن سماعة.

قال سألته عن رحل احصر فی الحج قال فلیبعث بهدیه ان کان مع اصحابه و محله ان یبلغ الهدی محله و محله منی یوم النحر اذا کان فی الحج. و ان کان فی عمرة نحر بمکة فانما علیه ان یعدهم لذلک یوما. در عمره است که یعدهم یوما. در حج است که یعدهم یوم النحر.

پس این موثقه زراره که می گوید یعدهم یوما مربوط به عمره است. بله اعم از عمره تمتع و عمره مفرده است. این را ما بعید نمی دانیم. اما حملش نکنید بر حج.

[سؤال: ... جواب:] عرض می کنم اعم می شود از عمره... آخه ایشان در عمره تمتع هم گفت یتعین ارسال الهدی.

اما قرینیتی که آقای خوئی ذکر کردند که یبعث بهدیه، آقا! یبعث بهدیه خب افضل است لااقل در عمره مفرده. آخه یبعث بهدیه چه قرینه ای می شود بر این که مراد، عمره مفرده نیست چون در عمره مفرده مخیر است بین بعث هدی و ذبح هدی در مکان حصر. خب تخییر هست ولی افضل بعث الهدی است. و این اطلاق دارد. فوقش دلیل داریم در عمره مفرده دلیل خارجی داریم جایز است ذبح الهدی فی مکانه. این دلیل نمی شود که المحصور یبعث بهدیه مراد عمره مفرده نیست.

[سؤال: ... جواب:] عرض می کنم یبعث بهدیه ظهور در تعیینیت دارد ولی آن روایت امام حسین علیه السلام قرینه می شود که در مورد عمره مفرده حمل کنیم این یبعث بهدیه را بر افضل بودن. نه این که بیاییم بگوییم مراد غیر از عمره مفرده است.

صاحب جواهر این روایت را مطرح کرده گفته که اولی این است که این را حمل کنیم بر عمره تمتع. چرا؟ برای این که ما گفتیم نص و فتوی می گوید محصور نساء بر او حرام است. فقط عمره تمتع بود که شهید اول گفت طواف نساء چون ندارد حلیت نساء هم توقف ندارد بر این که طواف نساء بجا بیاورد. محصور با تحلل نساء هم بر او حلال می شود در عمره تمتع.

این فرمایش که تمام نیست. وجهی ندارد که این موثقه را حمل کنیم بر عمره تمتع. اطلاق دارد. بله موردش حج نیست، موردش عمره است، عمره مفرده را هم می گیرد.

و این که صاحب حدائق فرموده که ما حمل می کنیم این روایت را که بر این که این راوی اشتباه کرده، راوی یعنی مقصود آن کسی که اتی النساء، مفروض در سؤال راوی که و قد احل فاتی النساء، این اتیان نساء اشتباها یا جهلا بوده. آقا! این چه حملی است؟ امام بعد از این که می فرماید لیس علیه شیء از باب این ناسی و جاهل کفاره ندارد، این آقا هم اشتباها یا سهوا یا جهلا اتیان نساء کرده با این که محصور بوده؟ این عرفی نیست.

[سؤال: ... جواب:] فکر می کرد اصحابش قربانی کشتند از طرف او. و قد احل فاتی النساء، در آن روز معین تقصیر کرد و اتیان نساء کرد. چون ذبح نکرده بود از طرف او این الان دچار مشکل شده. امام می فرماید که فلیعد و لیس علیه شیء، نفرمود اشتباه کردی اتیان نساء کردی حتی اگر ذبح می کردند از طرف تو دوستانت باز زن بر تو حرام بود چرا اتیان نساء کردی. این را امام نفرمود. بعدش هم فرمود و لیمسک عن النساء اذا بعث. الان هم نساء بر تو حلال است. آن روزی که کسی را پیدا کردی مکه برود پول قربانی را به او دادی از آن روز باید اجتناب کنی از نساء. و لیمسک عن النساء اذا بعث. نه و لیمسک عن النساء اذا کشف عدم الذبح عنه. ... تا وقتی بعث هدی نکند ظاهر این روایت این است که طبق آن تخیل ذبح از طرف او این محل شد. و لیمسک الان عن النساء اذا بعث. آن روزی که پیدا کرد کاروانی را که مکه برود از آن روز امام می فرماید که و لیمسک الان عن النساء اذا بعث. حالا شما مثل آقای خوئی لابد اذا بعث را می گویید حالا که فهمیده و لیمسک الان عن النساء اذا بعث یعنی و لیمسک الان عن النساء. آن عن النساء‌را هم می گویید عن محرمات الاحرام مثل آقای خوئی. اذا بعث را را هم می گویید قید توضیحی است یعنی همین الان که منکشف شد برای تو که نائبت کاری نکرده برای تو، دلش برای تو نسوخته، برای تو ذبح نکرده، همین الان سریع برو لباس های مخیط را در بیاور لباس احرام را بپوش. واقعا این استظهار عرفی است؟ که در مستند الناسک صفحه ۳۹۹ جلد ۴ از آقای خوئی نقل کردند، اصلا عرفی نیست. و کلام صاحب حدائق هم عرفی نیست که حمل بکنیم بر این که این شخص جهلا او نسیانا اتیان نساء کرده امام می فرمایند لیس علی شیء یعنی کفاره ندارد ناسی و جاهل. نه، اصلا ظاهرش این است که کارش حلال بوده. امام نفرمود این کار جایز نبود. چون حتی اگر آن شخصی که او را فرستادی برای ذبح در مکه، ذبح هدی هم می کرد نساء بر تو حرام بود. این طور نفرمود امام.

[سؤال: ... جواب:] اجتهاد در مقابل نص که نمی خواهیم بکنیم. امام فرمود چون تو مواعده کردی، طبق مواعده از احرام خارج شدی. بعد آمدند پول قربانی را به تو پس دادند می گویند کاری نکردیم برایت. فلیعد بعث الهدی را و لیس علیه شیء چیزی بر تو نیست. و لیمسک الان عن النساء، فقط از نساء اجتناب کن.

و لذا ما در این مسئله موافق هستیم با تفصیل آقای زنجانی به دلیل این موثقه زراره. تفصیل این بود که در عمره حالا شاید ایشان عمره مفرده دارد ظاهرا ولی ما می گوییم اطلاق دارد و لو عمره تمتع. ایشان عمره مفرده دارد. ما به نظرمان می آید این روایت عمره تمتع را هم شامل می شود. اگر بعث الهدی بکند معتمر به عمره مفرده ای که محصور شده است، بعث الهدی بکند و روز مقرر برسد برای ذبح او، تقصیر می کند و از احرام خارج می شود، زن هم بر او حلال می شود. و اگر کشف شد که ذبح نکردند از طرف او آمدند گفتند آقا! ما یادمان رفت، گوسفند پیدا نکردیم، از این بهانه ها، می گوید خیال کردید که برای من مشکل درست می کنید؟ امام علیه السلام طبق این موثقه زراره مشکل من را حل کرده. فقط می گردم یکی را پیدا می کنم آن روزی که فرستادمش برای مکه برای من قربانی کند، و لیمسک الان عن النساء، آن روز فقط از نساء اجتناب می کنم. و لیمسک الان، الان یعنی الان یعنی حال که معلوم شد لم یذبحوا عنه، الان یعنی و لیمسک الان حیث تبین عدم ذبحهم عنه.

[سؤال: ... جواب:] بعد دارد و لیمسک عن النساء اذا بعث. جمعش این است که الان یعنی الان که فهمیده، الان و قد عصیت قبل، الان یعنی الان که فهمید ذبح برای او نکردند، الان و لم یذبحوا عنه. الان که این طور شد که فهمیده برای او ذبح نکردند و لیمسک عن النساء اذا بعث. این قضیه شرطیه الان می آید که و لیمسک عن النساء اذا بعث.

و لذا این موثقه زراره باعث می شود که دیگر ما سراغ انقلاب نسبت و عرفی نیست و موجب حمل بر فرد نادر می شود، اشکالاتی که داشتیم همه این اشکال ها برطرف می شود. این موثقه زراره نسبتش با صحیحه معاویة بن عمار که می گفت المحصور لاتحل له النساء نسبتش چیه؟ نسبتش عموم و خصوص مطلق است. می شود المحصور لاتحل له النساء الا محصور در عمره که بعث هدیه. محصور در عمره که قربانی بفرستد در روز مقرر تقصیر می کند و نساء هم بر او حلال می شود. اما حج یا عمره ای که ذبح فی مکانه، در عمره مفرده ای که ذبح فی مکانه، نخیر؛ آنجا طبق اطلاق المحصور لاتحل له النساء نساء حلال نمی شود حتی تطوف و تسعی فی عمرة او حج.

[سؤال: ... جواب:] حالا عمره تمتع عیب ندارد چون محصور شده و بر او واجب است ارسال هدی ارسال هدی کرد و پول هدی را فرستاد ذبح نکردند، حالا که کشف خلاف شد ارسال هدی را تکرار می کند و لو وقت عمره تمتع گذشته است. وانگهی از کجا می گویید وقت عمره تمتع گذشته؟ این ها گاهی یک ماه دو ماه قبل می رفتند عمره تمتع بجا می آوردند. ... حالا البته روایت دارد که ردوا علیه دراهمه معنایش این است که بعد گذشتن مراسم ذیحجه برگشتند و پولش را پس دادند حق با شماست، وقت عمره تمتع گذشته. ولی اشکال ندارد، بر او واجب بود ارسال هدی انجام نداده الان ارسال هدی می کند. این که مشکلی نیست. ... دلیلی بر تبدل این عمره تمتعی که وقتش گذشته است به عمره مفرده ما نداریم. این روایت می گوید ارسال هدی بکند حالا که فهمید که این دوستان بی وفایش برایش قربانی نکشتند.

و لذا به نظر ما این روایت مقید اطلاق المحصور لاتحل له النساء می شود. صحیحه بزنطی را هم که حمل کردیم بر اشتراط الاحلال. گفتیم در هنگام محرم شدن می گوید ان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی، می شود دو تا استثناء برای حرمت نساء: یک: کسانی که شرط التحلل می کنند در احرام. دو: کسانی که در عمره بعث الهدی می کنند. و لذ عرض کردیم تفصیل آقای زنجانی را ما طبق این موثقه زراره قبول داریم و این ربطی به بحث انقلاب نسبت ندارد.

این راجع به این مطلب.

مطلب دیگر این هست که عرض کردیم در مورد حج مشهور تفصیل دادند بین حج واجب و حج مستحب. وجه این تفصیل که مشهور در حج واجب گفتند یبقی علی حرمة النساء تا این که حج من قابل بجا بیاورد یا عمره مفرده بجا بیاورد. اما در حج مستحب گفتند نه آقا؛ یک کسی را بگو یک طواف نساء‌بکند نساء بر تو حلال می شود. به همین راحتی. که امام قدس سره هم این را در مناسک شان فرمودند.

ما عرض کردیم وجه این فرمایش مشهور چیه؟ وجهش می تواند مرسله مفید باشد در مقنعه که تفصیل داد بین حج و اجب و حج مستحب که حدیث را خواندیم و لکن سند این مرسله مفید ضعیف است. و لو دارد قال علیه السلام؛ ارسال جزمی شیخ مفید است. اما ارسال جزمی شیخ مفید به نظر ما دلیلی بر اعتبار آن نیست. در سیره عقلائیه اگر بدانند شما و لو آدم خوبی هم هستید با واسطه از فرض کنید علامه مجلسی یک چیزی را نقل می کنید شاید شما از فرض کنید از یک مرجع تقلید، آن مرجع تقلید از استادش، آن هم از استادش با وسائط خیلی معتبر از علامه مجلسی نقل کردید، ولی عقلاء می گویند که ما چه می دانیم این واسطه کی هست. شاید واسطه ضعیف باشد، اعتباری برای او قائل نیستند. و لذا این درست نیست.

شاید امام استدلال شان به شهرت باشد چون شهرت قویه ای در مسئله هست. کشف اللثام این طور تعبیر می کند، می گوید ان وجب ما احصر فیه، اگر آن حجی که محصور شد در آن، واجب بود، فلایحل له النساء ما لم یأت به. و ان لم یجب لم یحللن له الا بطواف النساء ان قدر بنفسه و ان عجز فبنائبه. بعد اسناد می دهد این تفصیل را به ظاهر نهایه، مبسوط، مهذب، وسیله، مراسم، اصباح، نافع، سرائر، شرائع و کلمات علامه. می گوید در حج واجب استنابه برای طواف نساء کافی نیست خود طواف نساء هم بالمباشرة کافی نیست. بلکه ظاهرش این است که باید حج من قابل بجا بیاورد که ظاهر امام هم همین است. کسی که محصور شد از حج واجب یک سال باید برود حجره بگیرد در مدرسه یا اگر طلبه نیست خانه اجاره کند، از زن اجتناب کند، حتی یأتی بالحج من قابل. اما در حج مستحب نه؛ محصور شد از حج، ذبح که می کنند برای او به نائب می گوید یک طواف نساء هم خواهشا بجا بیاورید، ذبح هم نکردید فدای سرتان، حالا قول به ما می دهید همین کافی است، ولی طواف نساء فراموش نشود. این مقتضای فتوی امام و فتوی مشهور است. و صاحب جواهر تعبیرش این است: القول بمساواة الندب للواجب فی توقف الاحلال علی اداء المناسک خلاف ما اتفقت علیه الاقوال اجمع. هیچکس قائل نیست به این که در حج مستحب باید حج من قابل بجا آورده بشود برای حلیت نساء. این مواسات حج مستحب [واجب] و مندوب را هیچکس قائل نیست. و لذا ما ملتزم می شویم به قول مشهور که فرق گذاشتند که فرق گذاشتند بین حج واجب و مستحب .

آقا! شما که مرسله مفید را قبول ندارید، خودتان می گویید ضعیف است، صاحب جواهر هم می گوید ضعیف است لارسالها، این شهرت هم که شهرت تعبدیه نیست، چون برخی قائلند، شاید اجتهاد کردند در روایات. و این هم که فرمودید اگر حج واجب است نساء حلال نمی شود مگر حج من قابل بجا بیاورد، نه؛ اطلاق دارد حتی یطوف و یسعی. ندارد حج من قابل. حتی یطوف و یسعی. و المحصور لاتحل له النساء حتی یطوف و یسعی. بله یطوف و یسعی ظهور دارد یا در حج یا در عمره. اما چرا فقط می گویید حج من قابل، یک سال این بیچاره را بیچاره تر می کنید. عمره مفرده هم صدق می کند حتی یطوف و یسعی. و اطلاق هم دارد روایت اعم از حج واجب و حج مستحب.

و این که مرحوم آقای گلپایگانی در کتاب الحج قول مشهور را تقویت کردند، فرمودند بله درست است، همین که امام هم داشتند، حج واجب: المحصور لاتحل له النساء حتی یاتی بالحج من قابل. اما حج مستحب: طواف نساء انجام بدهد. بلکه ایشان می گوید اختیارا هم می تواند نائب بگیرد برای طواف نساء. ایشان فرمودند جمع تبرعی بین روایات این را اقتضاء می کند. مثل ثمن العذرة سحت ثمن العذرة لابأس به که گفتند الجمع مهما امکن اولی و لذا ثمن العذرة سحت را می گوییم ثمن العذرة ما لایؤکل ثمن العذرة لابأس می شود ثمن عذره ما یؤکل. چرا؟ برای این که اخذ قدر متیقن از هرکدام از این دو حدیث می کنیم. اینجا هم همین طور. اینجا هم یک خطاب داریم المحصور لاتحل له النساء، بعد داریم علیه الحج من قابل. بعضی از روایات راجع به محصور داریم لیس علیه الحج من قابل و داشت: تحل له النساء. برخی از روایات دارد که لیس علیه الحج من قابل برخی از روایات هم که خواندیم داشت: لاتحرم له النساء مثل همین موثقه زراره. یا صحیحه بزنطی. قدرمتیقن از آن دلیلی که می گوید محصور باید حج من قابل بجا بیاورد و می گوید نساء بر او حرام است حج واجب است. مثل این که قدر متیقن از اکرم العلماء اکرام عالم عادل است چون عکسش محتمل نیست اینجا قدر متیقن از علیه الحج من قابل و این که لاتحل له النساء حج واجب است. و قدر متیقن از این هایی که می گوید لیس علیه الحج من قابل و می گوید لاتحرم له النساء مثل این موثقه زراره می گفت لاتحرم له النساء، برخی از روایات هم می گفت لیس علیه الحج من قابل، قدرمتیقن از این ها حج مستحب است.

این ها را هم که شما فرمودید جمع تبرعی است. و این جمع، عرفی نیست. همان ثمن العذرة سحت و ثمن العذرة لابأس به جمعش عرفی نیست. عرف این کار را نمی کند. این که آقای زنجانی تایید کردند نظر مشهور را کبرویا، گفتند یک وقت ما قدرمتیقن نداریم، مثلا اکرم العالم لاتکرم العالم. قدرمتیقن نداریم برای هیچکدام. چرا؟ برای این که قدر متیقن کی می گوید از اکرم العالم عالم عادل است؟ عالم عادل داریم عالم هاشمی داریم عالم فقیه داریم همه این ها محتمل است باشد. لاتکرم العالم هم همین طور: عالم فاسق داریم عالم نحوی داریم عالم شاعر داریم. اگر بخواهید اقل قدرمتیقن ها را بگیرید عالم عادل هاشمی فقیه، این که تعارض را برطرف نمی کند چون قدرمتیقن از اکرم العالم این است قدرمتیقن از لاتکرم العالم هم عالم فاسق غیر هاشمی غیر فقیه، آن که فاقد جمیع کمالات است فقط چهار کلمه سواد دارد. اکرم العالم آن که واجد جمیع کمالات است، آن ها که بینا بین هستند، بعضی از کمالات را دارند بعضی را ندارند تعارض حل نشد. اما مواردی که یک راه بیشتر نیست برای حل تعارض، ثمن العذرة سحت راه حلش این است که بگوییم ثمن ما لایؤکل. فرق دیگری ندارد. آن ثمن العذرة لابأس به هم یعنی عذره مأکول اللحم. تفصیل دیگری محتمل نباشد. بله، اینجا جمع عرفی است این جمع. [استاد] واقعا ما نمی فهمیم کجا این جمع،‌عرفی است؟ اگر خبر، قطعی الصدور و قطعی الجهة بود، بله؛ توجیه دیگری ندارد. اما ممکن است این خبر دوم از امام صادر نشده، ممکن است تقیتا صادر شده. عرف تا ظهور ثانوی عرفی در مقام جمع عرفی نبیند که جمع نمی کند بین دو روایت متعارض. و لذا این جمع، تبرعی است و این درست نیست.

ما به نظرمان متعین همان مطلب اول است که عرض کردیم که محصور در عمره ان بعث هدیه حلت له النساء ولی محصور در حج لاتحل له النساء حتی یاتی بالطواف و السعی فی حج او عمرة. ولی اگر حرجی بود بر او صبر، بعید نیستیم بگوییم لاحرج وجوب صبر را بر می دارد و استنابه بر او جایز می شود.

این راجع به این مسئله. کلام واقع می شود در مسئله بعدی ان شاء الله فردا.